

معلم، محور طراحی آموزشی

اشاره

مسئولیت طراحی آموزشی با چه کسی است؟ این پرسش مهم تعیین‌کننده نقش اصلی طراح آموزشی در فرایند یاددهی یادگیری است. این نقش غالباً در میان برنامه‌ریزان آموزشی، مؤلفان کتاب‌های درسی، و معلمان، به‌عنوان مجریان برنامه در کلاس درس، در تعامل است. شاید با نگاهی بر انواع طراحی آموزشی بتوان به سهم و نقش معلم در این گام مهم آموزشی پی برد، اما در این نوشته قصد بر این است که از طریق یکی از الگوهای طراحی آموزشی، اثربخشی طراحی آموزشی توسط معلم، به‌عنوان بازوی اجرایی پر قدرت در کلاس درس، بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی، یاددهی یادگیری، تحلیل یادگیرنده

تجربه یک معلم

درس من از فناوری آموزشی!

از همان ابتدای معلمی، سخت‌ترین کار برای من طراحی آموزشی بود. چون به‌درستی آن را فرا نگرفته بودم. دو سال اول را در حالی سپری کرده بودم که تجربه‌های دانشگاه هنوز یاری‌ام می‌کردند. در عین حال، خودم مبهوت معلمی شده بودم و در زمینه ارتباط با دانش‌آموزان چالش‌های بسیاری داشتم. به همین دلیل فکر می‌کردم باید تمام انرژی‌ام را برای درست کردن رابطه معلم شاگردی بگذارم. تابستان سال سوم که مدرسه‌ام تغییر پیدا کرد، به‌خاسته مدیر مجبور به انجام طراحی آموزشی شدم. با این تصور که این نوشته‌ها تنها از دست من به دست معلم دیگر و مدیر می‌رود و فایده‌ای ندارد، سراغ وبگاه‌ها و گروه‌هایی رفتم که نمونه‌های طرح درس را در اختیار گذاشته بودند. چند روزی برای این منظور وقت گذاشتم و از نتیجه هم راضی بودم.

سال تحصیلی شروع شد و من با تصورات قبلی تلاش کردم از آغاز بر شکل و نوع رابطه با دانش‌آموزانم تمرکز کنم. در کمتر از یک ماه از شروع سال تحصیلی، همه اوضاع از دست خارج شده و آشفتگی بود. وقتی مدیر به کلاس آمد، رخدادهای درسی هیچ تطابقی با طراحی‌های ارائه‌شده نداشتند و موجبات نارضایتی پیش‌آمد.

اما این همه ماجرا نبود. من کاملاً مغلوب دانش‌آموزان شده بودم. نه تنها ارتباط درستی میان ما شکل نگرفته بود، بلکه هر روز این پیام را دریافت می‌کردم که ما چیزی از این درس یاد نگرفته‌ایم. این اتفاقات تهدیدی برای عشق من به حرفه‌ام شده بود. یک جای کار ایراد داشت که همان نبود طراحی آموزشی متناسب با شرایط کلاس بود. بار دیگر به کتاب‌ها و جزوه‌های درسی دانشگاه مراجعه کردم، این بار فناوری آموزشی برایم بیش از یک کتاب درسی بود؛ یک درس آموختنی.

تصمیم برای
اقدام آموزشی
در خصوص
دانش آموزی که
نمی‌داند، بسیار
متفاوت تر از
دانش آموزی است
که به یادگیری
ترغیب نشده است

تحلیل سریع یادگیرنده: آیا می‌داند و می‌تواند؟

پرسش اول و بررسی ابتدایی معلم در روند یادگیری دانش‌آموز این است که او تا چه اندازه می‌داند. معمولاً برای رسیدن به پاسخ این سؤال، لازم است فعالیت‌هایی از قبل طراحی شده باشند که دانش‌آموزان با انجام آن‌ها دانسته‌های خود را ابراز کنند یا به اشتراک بگذارند. نمونه‌هایی که در ادامه می‌آیند، زیر بخشی از فعالیت‌هایی هستند که می‌توانند به این مقصود بینجامند. ممکن است شما موارد دیگری را در کلاس تجربه کنید:

- پرسش‌های شفاهی را در جمع دانش‌آموزان بیان می‌کنم، به پاسخ‌ها گوش می‌دهم و در عین حال به هر دانش‌آموز توجه دارم تا میزان مشارکت آن‌ها را بررسی کنم.
- پرسش‌های خاصی را از برخی دانش‌آموزان می‌پرسم که به صورت میانگین، برآوردی از میزان یادگیری آن‌ها نشان دهد.

- فعالیتی را مبتنی بر دانسته‌های درس طراحی می‌کنم و از دانش‌آموزان می‌خواهم آن را انجام دهند. برای مثال، روی نقشه، مراکز استان‌ها را بنویسند. در میان دانش‌آموزان حرکت می‌کنم و پاسخ‌ها را می‌بینم. به این ترتیب متوجه میزان یادگیری آن‌ها می‌شوم.

- دانش‌آموزان را در گروه‌های کوچک دسته‌بندی می‌کنم. از هر گروه می‌خواهم به تعدادی از سؤالات پاسخ دهند. با چرخش میان گروه‌ها از شیوه پاسخ‌دهی آن‌ها به سؤالات متوجه میزان یادگیری آن‌ها می‌شوم.

- دانش‌آموزان را به گروه‌های دونفره تقسیم می‌کنم. نفر اول یک سؤال از نفر دوم و نفر دوم سؤال دیگر را از هم‌گروهی

انتخاب الگوی طراحی آموزشی مناسب

به‌منظور اثرگذاری بهینه طراحی آموزشی در فرایند یاددهی یادگیری لازم است معلم از میان الگوهای طراحی آموزشی در زمان و جای مناسب بهره‌برداری کند. یکی از الگوهای طراحی آموزشی که برای آغاز دوره‌ها بسیار مناسب و ضروری می‌نماید، الگوی تحلیل یادگیرنده است.

به صورت کلی، الگوهایی که در آن‌ها محور اصلی «تحلیل» است، می‌توانند در طراحی نقشه کلی و گام‌بندی فعالیت‌ها نقش آفرین باشند؛ مانند الگوی تحلیل هدف و الگوی تحلیل محتوا. بدیهی است، در این میان تحلیل یادگیرنده، به عنوان مخاطب اصلی فرایند آموزش، اهمیت بالایی دارد. نتیجه این تحلیل می‌تواند به ایجاد ارتباط مناسب با دانش‌آموز و نیز چینش درست محتوا و فعالیت‌های یادگیری بینجامد.

الگوی تحلیل یادگیرنده

در این الگو، طراحی آموزشی بر تشخیص شرایط و وضعیت یادگیرنده مبتنی است. معلم به عنوان طراح و نیز مجری برنامه آموزشی، با بررسی بیشتر یادگیرندگان، تلاش می‌کند برای مراحل و گام‌های دیگر فرایند یاددهی یادگیری تصمیم درستی بگیرد. بدیهی است این اتفاق در شرایطی می‌تواند راهگشا باشد که معلم با تکیه بر تخصص و نیز برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی موردنیاز آمادگی انتخاب‌های مناسب را داشته باشد.

خلاصه‌ای از الگوی تحلیل یادگیرنده در (نمودار ۱) زیر آمده است:



خود می‌پرسد. گزارش دانش‌آموزان از هم‌گروهی می‌تواند در کنار بررسی‌های من در کلاس، تعیین‌کننده میزان یادگیری باشد.

● کلاس را در کارگاه رایانه مدرسه برگزار می‌کنم و با استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای و وبگاه‌های آموزشی، سنجشی کوتاه پاسخ یا گزینه‌ای را در کمتر از چند دقیقه برگزار می‌کنم و تحلیل آن را می‌بینم.

● پرسش‌هایی را به صورت کتبی در اختیار همه دانش‌آموزان قرار می‌دهم تا در زمان معین به آن‌ها پاسخ دهند. سپس برگه‌های پاسخ را با هم کلاسی‌های خود تبادل می‌کنند. با این کار، آن‌ها می‌توانند متوجه میزان یادگیری خود و نیز دیگری شوند. گزارش‌های دانش‌آموزان منبع معلم برای دریافت اطلاعات درباره یادگیری آن‌هاست.

● نقشه مفهومی ناتمامی را در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارم و از آن‌ها می‌خواهم جاهای خالی را با دانش خود کامل کنند. از آنجا که صرفاً نوشتن کلمات و عبارت‌های کوتاه در نقشه مفهومی نیاز است، با یک نگاه متوجه میزان دانش آن‌ها می‌شوم.

● از جدول شماره ۱ یادگیری استفاده می‌کنم. هر دانش‌آموز در شروع کلاس ستون‌های اول و دوم این جدول را کامل می‌کند. ستون سوم در پایان کلاس نوشته می‌شود.

آنچه می‌دانم	آنچه می‌خواهم بدانم	آنچه آموختم

جدول شماره ۱

تجربه یک معلم یادآوری رخداد‌های گذشته!

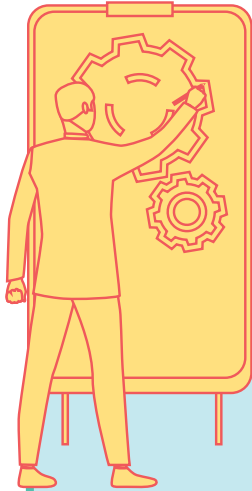
دوران تدریس مجازی فرصت مناسبی بود که از کلاس‌های آموزشی خودم ویدئوهای آموزشی، فیلم و عکس نیز داشته باشم. امسال برای اینکه بدانم دانش‌آموزان مطالب را تا چه اندازه به یاد دارند، تصمیم گرفتم از طبقه‌بندی مستندات قبلی استفاده کنم. بریده‌ای از فیلم‌های ضبط‌شده از کلاس درسم را روز قبل از کلاس در اختیار دانش‌آموزان قرار دادم و از آن‌ها خواستم احساسشان را همراه با مهم‌ترین چیزی که از آن کلاس به یاد می‌آورند، بنویسند. این فعالیت برای

دانش‌آموزان بسیار جذاب و مؤثر بود و نوشته‌های آن‌ها، علاوه بر اینکه به لحاظ میزان یادگیری و تمایل و رغبت به یادگیری راهگشا بود، ویژگی‌های اثرگذار در شیوه‌های آموزشی را برایم پررنگ و روشن کرد. برای مثال، در یک کلاس، دستگاه پخش صدا از طرف من قطع شده بود و من اطلاع نداشتم. هر قدر بچه‌ها را صدا می‌کردم، پاسخی دریافت نمی‌کردم. چون در برخی کلاس‌ها این اتفاق رخ داده بود که بچه‌ها به محیط کلاس وارد می‌شدند و اسمشان بود اما مشغول کار دیگری می‌شدند و پاسخ نمی‌دادند، من هم تصور کردم دلیل پاسخ ندادن دانش‌آموزان همین است. بخش پیام‌ها هم از قبل مسدود شده بود. به همین دلیل گفتم من درس می‌دهم و فیلم کلاس را ضبط می‌کنم، اما اگر کسی پاسخ سؤالاتم را ندهد و صدایش را نشنوم، حتماً دو نمره از امتحان پایانی‌اش کسر خواهد شد و به هیچ عنوان عذری قابل قبول نیست. چند دقیقه‌ای از کلاس گذشت. من با ناامیدی مشغول تدریس یک سوبه و بی‌روح بودم که تلفن زنگ خورد. از مدرسه بودند. گفتند بچه‌ها با مدرسه تماس گرفته‌اند و می‌گویند شما صدای آن‌ها را ندارید. ما بررسی کرده‌ایم، مشکل از دستگاه شماست.

تازه متوجه اشتباهم شدم. صدا را باز کردم و با عذرخواهی و خنده همگی درس را ادامه دادیم. آن روز برای همه ما خاطره شد. جالب‌تر این بود که تقریباً همه دانش‌آموزان موضوع درسی آن روز را به یاد داشتند و اتفاقات نامربوط به درس، البته با پایان خوشایند، به جلب بیشتر توجه آن‌ها منجر شده بود.

تحلیل سریع یادگیرنده: آیا می‌خواهد؟

در گام دیگری از تحلیل یادگیرنده، لازم است میزان تمایل و رغبت دانش‌آموز به یادگیری و ابراز آن مشاهده و بررسی شود. در برخی موارد، یادگیرندگان به دلیل نداشتن رغبت به انجام کار یا موضوع یادگیری، از ادامه فعالیت سر باز می‌زنند. بدیهی است، تشخیص این موضوع که چه چیزی مانع روند یادگیری دانش‌آموزان است، در طراحی فعالیت‌های مناسب یادگیری سهم بسزایی دارد. برای تشخیص میزان تمایل و آمادگی عاطفی دانش‌آموزان به یادگیری، ممکن است فعالیت‌هایی که در بخش سنجش دانش و توانایی اشاره شدند، مؤثر باشند. در چنین مواردی، معلم می‌تواند بر اساس بررسی و تحلیل رفتار دانش‌آموز در حین پاسخ به سؤالات، متوجه میزان رغبت وی شود. در صفحه بعد نمونه‌ای از شواهد آمده‌اند. علاوه بر این، فعالیت‌های دیگری نیز به طور مشخص به این مقصود کمک می‌کنند. شیوه شما در این زمینه چگونه است؟



شواهد رغبت دانش‌آموز به یادگیری:

- مستقیم و مناسب می‌نشینند و وارفته و بی‌حال نیست.
- چشمانش باز است و به موقع پلک می‌زند.
- وسایل مورد نیاز اعم از قلم و کاغذ را آماده در کنار خود دارد.
- سرحال است و خمیازه نمی‌کشد.
- با سرعت مناسب، به محض اینکه به انجام فعالیتی دعوت می‌شود، آن را آغاز می‌کند.
- سؤالاتی طرح و موضوع را دنبال می‌کند.
- فعالیت‌هایی را پیشنهاد می‌دهد.
- با هم‌گروهی صحبت می‌کند و مسئولیت بخشی از امور را بر عهده می‌گیرد.
- برای پاسخ به سؤالات فکر می‌کند و تلاش می‌کند حتماً پاسخ دهد.
- زمانی را که برای مطالعه تعیین می‌شود، به این کار اختصاص می‌دهد.
- هیجان و احساس خود را در مواجهه با هر فعالیت یادگیری شناسایی و ابراز می‌کند.

تجربه یک معلم روشن کردن موتورها!

امسال در پایه‌های پنجم و ششم که ریاضی درس می‌دهم، با دانش‌آموزانی روبه‌رو شده‌ام که همان حس و حال نوجوانی را دارند؛ بی‌حال و حوصله و غالباً خسته. فکر کردم بهتر است به جای تغییر طراحی آموزشی و روش تدریس، با انجام حرکت و تمرین بدنی، جو کلاس را تغییر دهم. برای این منظور، به شکل مسابقه سه‌دسته فعالیت در کلاس انجام می‌دهیم و برنده یا برندگان در پایان کلاس می‌توانند از «جعبه‌های خوب»، انجام کاری را برای جلسه آینده کلاس انتخاب کنند. این سه فعالیت در هر دوره زمانی تغییر می‌کند. برای مثال، برای یک دوره دو هفته‌ای نوعی دست‌زدن منظم و هماهنگ بود که به توجه زیادی نیاز داشت تا هر گروه بتوانند هماهنگ با هم اجرا کنند. در مجموع کمتر از یک دقیقه وقت می‌گرفت و من آن را در سه وعده زمانی در کلاس استفاده می‌کردم. در جعبه‌های خوب هم در برهه‌هایی فعالیت‌های جالب و جذاب نوشته شده‌اند. این فعالیت‌ها با هم‌فکری دانش‌آموزان تنظیم و انتخاب شده‌اند؛ مانند یک دست بازی وسطی همراه

خانم معلم در ساعت تفریح، انجام دادن تکلیف درسی با شکل مورد نظر خود، تجربه معلم شدن در کلاس، پخش موسیقی مورد علاقه در کلاس، دریافت یادگاری از معلم. به نظر ساده می‌آید، اما همین اقدام در ایجاد تحرک دانش‌آموزان و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های یادگیری تأثیر بسیار زیادی داشت تا جایی که حتی سرعت انجام کار هم بیشتر شد و من می‌توانستم با اطمینان بیشتری ادعا کنم اغلب دانش‌آموزان به یادگیری تمایل دارند و فقط نیاز است موتورهای روشن شوند.

جمع‌بندی

معلم طراح آموزشی و در واقع مهم‌ترین عامل در طراحی آموزشی است. او می‌تواند و شایسته است با استفاده از اطلاعات مرتبط با میزان اطلاعات، توانایی و نیز تمایلات عاطفی و روانی دانش‌آموزان، برای هر مرحله و فعالیت یادگیری تصمیم بگیرد و قدم بردارد. این ویژگی با مهارت حرفه‌ای معلم در طراحی آموزشی مرتبط است. الگوی تحلیل یادگیرنده در طراحی آموزشی به شکل‌های گوناگونی امکان‌ارائه و انجام دارد.

تحلیل سریع
یادگیرنده می‌تواند
اطلاعات مناسب و
مؤثری برای طراحی
آموزشی در اختیار
معلم قرار دهد



مقاله و فیلم مکمل
منابع در رمزینه آمده‌اند.